

Conformity of transformational thought with the discourses of the Islamic world until the victory of the Islamic Revolution of Iran

Abdolahi, M. ^{1*}

Received on: 06/06/2019

Accepted on: 15/09/2019

Abstract

Religious beliefs and values play an important role in political and social orientations and are the source of fundamental change. Revolutions and social and political movements have also originated from these criteria, and many developments in history have been shaped by the use of religious thought. Revolutionary religious thought in the face of the discourses of the Islamic world, including the Islamic Revolution of Iran, is very different from non-religious revolutionary thinking. These discourses can be explained in the form of the revivalist discourse in the Islamic world, the discourse of social and political transformation in the contemporary history of Iran, and the discourse of the Islamic Revolution centered on Imam Khomeini's thoughts. The question is whether transformational religious thought has been influential in the formation and development of major discourses in the Islamic world? Given the assumption that religious thought seeks to resolve social unrest, return to true Islamic principles, and integrate modernity with religious values and precepts, and by exploring the ideas of militant religious scholars, it appears that the discourses of the Islamic world are aimed at religious awareness and Protests against social and political unrest have been active. Thus, it can be said that evolutionary religious thought in an evolutionary process has influenced and overshadowed these discourses, including the discourse of the Islamic Revolution of Iran.

Keywords: Discourse, Imam Khomeini, Social and Political Transformation, Religious Transformation, Islamic Revolution.

^{1*} Faculty member of Political Science Department, Lorestan University, Khorramabad, Iran.
(Corresponding Author: Abdolahi.m@lu.ac.ir)

همنوایی اندیشه‌ی دینی تحول‌خواه با گفتمان‌های جهان اسلام تا پیروزی انقلاب اسلامی ایران

محسن عبدالهی^{*}

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۳/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۶/۲۴

چکیده

عقاید و ارزش‌های دینی، نقش مهم در سمت‌گیری‌های سیاسی و اجتماعی دارند و سرچشمه‌ی دگرگونی‌های بنیادین می‌باشند. انقلاب‌ها و حرکت‌های اجتماعی و سیاسی نیز از این معیارها نشأت گرفته و بسیاری از تحولات تاریخ با بهره‌گیری از اندیشه‌ی دینی رقم خورده است. اندیشه‌ی دینی تحول‌خواه بسیار متفاوت از تحول‌خواهی غیردینی، در مواجهه با گفتمان‌های جهان اسلام و از جمله انقلاب اسلامی ایران، است. این گفتمان‌ها در قالب گفتمان تجدید حیات طلبی در جهان اسلام، گفتمان تحول‌خواهی اجتماعی و سیاسی در تاریخ معاصر ایران و گفتمان انقلاب اسلامی با محوریت اندیشه‌های امام خمینی (ره) قابل تبیین است. پرسش این است که آیا اندیشه‌ی دینی تحول‌خواه در تکوین و توسعه گفتمان‌های اصلی در جهان اسلام تأثیرگذار بوده است؟ با توجه به این مفروض که اندیشه‌ی دینی برای رفع نابسامانی‌های اجتماعی، بازگشت به اصول راستین اسلامی و تلفیق نوگرایی با ارزش‌ها و احکام دینی می‌کوشد و با کنکاش در اندیشه‌های علماء دینی مبارز، چنین برمی‌آید که گفتمان‌های جهان اسلام در راستای آگاهی بخشی دینی و اعتراض نسبت به نابسامانی‌های اجتماعی و سیاسی فعال بوده است. پس می‌توان گفت اندیشه‌ی دینی تحول‌خواه در یک روند تکاملی، این گفتمان‌ها و از جمله گفتمان انقلاب اسلامی ایران را مورد تأثیر خود و تحت الشعاع قرار داده است.

واژگان کلیدی: گفتمان، امام خمینی (ره)، تحول‌خواهی اجتماعی و سیاسی، تحول‌خواهی دینی، انقلاب اسلامی.

مقدمه

تحول‌خواهی دینی ترجمان شکل‌گیری اندیشه‌ها، باورها و رفتارها و تثبیت ارزش‌های نوین و استقرار نظام‌های جدید بر اساس چهارچوب‌های دینی است. دین، به عنوان یک واقعیت اجتماعی، بخش بسیار مهم و تعیین‌کننده در مجموعه تغییرها و تحولات جوامع بشری است. حرکت‌های اجتماعی و سیاسی و انقلاب‌ها، علاوه بر علل و عوامل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، ریشه در رشد اندیشه‌ی بشری و شکل‌گیری مکاتب و نظریه‌های متنوع دارند. در اندیشه‌ی رو به تحول انسان، اندیشه‌ی دینی بخشی جدایی‌ناپذیر و اساسی شمرده می‌شود. این اندیشه، مبنای تکوین و تکامل جنبش‌های سیاسی و اجتماعی جهان اسلام و ایران بوده است. به عقیده ماکس وبر، روابط اجتماعی^۱ نوعی روابط اجتماعی است که بر پایه احساسات و ذهنیت (سنت و عاطفه) افراد در تعلق به یک اجتماع استوار است و روابطی را جامعه‌ای^۲ می‌گوییم که بر پایه مصالحه بین منافع استوار باشد و محرک این مصالحه را نیز عقلانیت معطوف به ارزش یا به هدف تشکیل می‌دهد (نقیب زاده، ۱۳۹۲: ۸۴). ماکس وبر در خصوص تأثیر و اهمیت مذهب در ملت‌ها می‌گوید: انسان جدید، حتی با بیشترین حسن نیت، نمی‌تواند اهمیت و تأثیر باورهای دینی را در فرهنگ و خصلت ملی بازنشاند (وبر، ۱۳۷۰: ۱۵۷). علاوه بر این، برخورد تمدن غرب با جوامع اسلامی در حالی به وقوع پیوست که این جوامع به دلیل عواملی چند از عصر باشکوه خود و جلوه‌های فرهنگی و تمدنی برخاسته از آموزه‌ها و الهامات اسلامی فاصله گرفته بودند. استعمار در قالب‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بشدت بافت بومی و سنتی جوامع اسلامی را دچار آسیب یا دگرگونی ساخت، هرچند ظاهر نیروهای استعماری و به‌ویژه وجوه سیاسی، نظامی و اقتصادی آن اذهان مسلمانان را بشدت مورد توجه خود ساخته بود (قادری، ۱۳۹۲: ۲۰۶-۲۰۷)؛ بنابراین ارزش مذهب این است که ملاک‌ها و معیارهای ارزشی را در انسان احیا می‌کند و انسانیت انسان را به شکل خاصی احیا می‌نماید که در پرتو احیای آن، تمام ارزش‌های انسانی، معنای منطقی و دقیق پیدا می‌کند (مطهری، ۱۳۶۲: ۲۴۱).

با توجه با این مباحث در مقاله حاضر تأثیر اندیشه تحول‌خواهی دینی در شکل‌گیری گفتمان‌های جهان اسلام و ایران در دوره معاصر تا وقوع انقلاب اسلامی بررسی می‌شود. سؤال اصلی این است که اندیشه‌ی دینی تحول‌خواه در تکوین و توسعه گفتمان‌های عمده در جهان اسلام تأثیرگذار بوده

1 . communalization

2 . sociation

است؟ با توجه به این مفروض که اندیشه‌ی دینی برای رفع نابسامانی‌های اجتماعی، بازگشت به اصول راستین اسلامی و تلفیق نوگرایی با ارزش‌ها و احکام اسلامی می‌کوشد و با کنکاش در اندیشه‌های علماء دینی، این فرضیه به ذهن می‌رسد که گفتمان‌های جهان اسلام در راستای آگاهی بخشی دینی و اعتراض نسبت به نابسامانی‌های اجتماعی و سیاسی فعال بوده است؛ به عبارت دیگر، اندیشه‌ی دینی تحول‌خواه در یک روند رو به تکامل، این گفتمان‌ها و از جمله گفتمان انقلاب اسلامی ایران را تحت الشعاع و تأثیر قرار داده است. بدیهی است اندیشه تحول‌خواهی دینی جدا از تحولات جهان اسلام و روندهای اجتماعی و سیاسی تاریخ معاصر ایران نیست. لذا بر مبنای شیوه‌های علمی در حوزه جامعه‌شناسی سیاسی می‌توان این موضوع را موشکافی کرد.

ساختار مقاله این‌گونه است که پس از مباحث مقدماتی، پیشینه و چهارچوب نظری پژوهش «گفتمان تجدید حیات طلبی در جهان اسلام»، «گفتمان تحول‌خواهی اجتماعی و سیاسی» و «گفتمان انقلاب اسلامی با محوریت اندیشه‌های امام خمینی (ره)»، با لحاظ نمودن همنوایی و تأثیرگذاری اندیشه‌ی تحول‌خواه دینی بر تکوین و تکامل این گفتمان‌ها مورد تبیین و بررسی قرار می‌گیرد و در انتها هم جمع‌بندی و نتیجه‌گیری خواهد آمد.

الف - پیشینه پژوهش

آیزنشتاد (۱۹۸۵) در مقاله‌ای تحت عنوان «جهت‌گیری‌های فرهنگی، تحول اجتماعی و نهادی: تجزیه و تحلیل مقایسه‌ای تمدن‌های سنتی» بر این باور است که مذاهب ابراهیمی چون یهودیت، مسیحیت و اسلام نظم زمینی وظیفه دارد پیوسته خود را به نظم آسمانی نزدیک سازد و همین امر پویایی خاصی به این جوامع می‌دهد. سیاست که باید در جهت کسب مشروعیت و انطباق بانظم آسمانی تلاش کند در چالش پایدار با مذهب به سر می‌برد. این چالش سبب پویایی آن می‌شود.

محمد اقبال لاهوری (۱۳۹۷) در کتاب «احیاء فکر دینی در اسلام» بر این نظر است که آنچه در ادوار پایانی قرون وسطی غرب را به حرکت درآورد و نهضت‌های فکری و فرهنگی دوره رنسانس و اصلاح کلیسا را به وجود آورد، ورود جهان‌بینی و تفکر علمی اسلام به غرب بود، ولی مسلمانان خود به علل گوناگون دچار رخوت و رکود فکری شدند و در طی سده‌های گذشته از حرکت بازماندند، در صورتی که غرب به حرکت خود ادامه داد و موانع رشد و ترقی را از پیش راه برداشت. او به این نتیجه رسیده است که مسلمانان باید نخست به نقد شیوه‌های تفکر و جهان‌بینی دیرین خود بپردازند و

نقاط قوت و ضعف آن را خوب بشناسند. سپس با برخورداری از این بینش نو و بهره‌گیری از یافته‌های علوم و تجربه‌های جدید جهانی، معارف دینی و حیات اجتماعی خود را نوسازی و آن را با احکام جدید و روح و عقل حاکم بر زمان سازگار نماید.

حمید عنایت (۱۳۶۲) در فصل پنجم کتاب «اندیشه سیاسی در اسلام معاصر» ذیل عنوان «نظری به تجددخواهی شیعی» این‌گونه نتیجه می‌گیرد که در دو قرن اخیر، شیعه اثنی عشری در ایران، عراق و لبنان، چه در نظر و چه در عمل، از خود نشاط و تحرک نشان داده است. وی سر حیات شیعه را ناشی از «اجتهاد» می‌داند. وی احیای تفکر شیعی را از جنگ جهانی دوم به این سو، علاوه بر نشأت از علل کلی که بر همه گروه‌ها اثر گذارده، متأثر از موارد خاصی می‌داند، از جمله نقش رهبری و مرجعیت تقلید در شیعه. او آغاز این پدیده را از زمان شیخ انصاری می‌داند. عنایت در بررسی احیای تفکر شیعی، به جریان مشروطه و نقش علما در آن اشاره کرده آن را مورد بررسی عمیق قرار می‌دهد. وی، به تازگی و بی‌سابقه بودن قانون‌گذاری از طرف انسان برای روابط اجتماعی در جریان مشروطه اشاره می‌کند.

حامد الگار (۱۳۹۶) در کتاب «دین و دولت در ایران» به شیوه‌ای تاریخی، بسط و سازمان‌دهی قدرت نقش‌آفرین علمای شیعه در امور سیاسی و اجتماعی را بررسی می‌کند. مهم‌ترین نکته‌ای که بازخوانی او از نقش علما در دوران قاجار دارد، شناختن جایگاه عمیق و درخور توجه عالمان دینی و به صورتی کلی‌تر «دین» در رویدادهای تاریخی ایران است. او به عنوان یک پژوهشگر خارجی تلاش نموده تا علاوه بر مشاهده اقدامات صادقانه و درست علما، اشتباهات آن‌ها را نیز نشان دهد. وی بر این استنتاج تکیه دارد که جایگاه سنتی و نقش تاریخی دین و علماء دینی در تأثیرگذاری آن‌ها برای اداره حرکت‌های اجتماعی و تحولات تاریخی اهمیت دارد. روحانیت شیعه به همین دلیل در عصر قاجاریه در تحولات اجتماعی و سیاسی جامعه ایرانی همراهی و رهبری نمود.

احمد موثقی (۱۳۸۴) در کتاب «جنبش‌های اسلامی معاصر» پس از کنکاش در جنبش‌های اسلامی قرون اخیر معاصر در اغلب کشورهای اسلامی و اشاره به هجوم و نفوذ گسترده فرهنگ و تمدن غربی و تسلط بر آن‌ها در قالب استعمار کهنه و نو به این نتیجه رسیده که شایسته و لازم است مسلمانان بر پایه اصول و مبانی تفکر دینی با وحدت در مقیاس منطقه‌ای و جهانی بر استعمار خارجی و استبداد و جمود فکری داخلی فائق آیند.

حاتم قادری (۱۳۹۲) در فصل پنجم «کتاب اندیشه‌های سیاسی در اسلام و ایران» پس از ذکر

مباحث و مفاهیم مقدماتی چنین نتیجه می‌گیرد که تلاش جهت احیای اسلام توسط اندیشمندانی چون سید جمال‌الدین اسدآبادی، محمد عبده و کواکبی متأثر از بحث نسبت سنت و تجدد در آن هنگام است. این فضا در عصر قاجاریه جامعه ایران را تحت تأثیر قرار داد و سبب واکنش علماء دینی شد. وی معتقد است منظور از احیاء اسلام مبارزه با جوانه‌های فساد و انحطاط داخلی و جلوگیری از سیطره و نفوذ استعمار و قدرت‌های غربی بر جوامع اسلامی و مسلمین است.

مرتضی مطهری (۱۳۸۳) در کتاب «نهضت‌های اسلامی در صدساله اخیر» پس از اشاره به اهم حرکت‌ها و مصلحان دینی معاصر در جهان اسلام، بر این استنتاج تکیه می‌کند که نهضت اسلامی ایران شکل تکامل‌یافته حرکت‌های اصلاح‌گرا نه معاصر است که به صنف و طبقه خاصی از مردم ایران اختصاص ندارد. نه کارگری است، نه کشاورزی، نه دانشجویی، نه فرهنگی و نه بورژوازی. در این نهضت، غنی و فقیر، مرد و زن، شهری و روستایی، طلبه و دانشجو، پيله‌ور و صنعتگر، کاسب و کشاورز، روحانی و آموزگار، باسواد و بی‌سواد یکسان شرکت دارند. او قائل به این است که ویژگی مذکور ریشه در مبانی اندیشه‌ای و دینی نهضت اسلامی ایران دارد.

تفاوت مباحث مطروحه در این مقاله با نوشته‌های فوق در دیدگاه و شیوه مواجه شدن با چنین موضوعی مندرج است. در مقاله حاضر کوشش شده، با بهره‌گیری از قالب گفتمانی تا حد امکان از مباحث اصولی، فقهی، کلامی، عرفانی و تاریخی صرف، فاصله گرفته و توجه به کاربری اندیشه دینی، با این پیش‌فرض که اندیشه دینی یک تحول‌خواه و رو به جلو است، برای آحاد جامعه اسلامی ملموس‌تر و محسوس‌تر تبیین شود. این دیدگاه و شیوه رویارویی با اندیشه دینی رمز اثرگذاری و بقا و تداوم انقلاب اسلامی در قالب یک گفتمان تکامل‌یافته است. به شکل آشکار می‌توان گفت تحولات علمی، اجتماعی و سیاسی جوامع بشری مستلزم دگرگونی در عرصه مطالعات نظری و تغییر شیوه‌ها و اسلوب‌های پژوهشی است. با این وجود، بهره‌گیری از رهیافت تلفیقی در تجزیه و تحلیل مطالب و تجمیع آن‌ها در قالب گفتمان مورد نظر است.

ب- چهارچوب نظری

در ابتدا، لازم به ذکر است که یکی از نخستین آثار در حوزه ارتباط میان حرکت‌های تحول‌خواهانه، نهضت‌های فکری و انقلاب‌ها با مبحث گفتمان در سال ۱۹۹۴ توسط «دیوید اپتر» و «تونی سیچ» در دانشگاه هاروارد نگاشته شده است. آن‌ها در یک بررسی تطبیقی از انقلاب‌هایی چون

روسیه، فرانسه و چین به این نتیجه رسیدند که عامل متمایزکننده انقلاب چین از انقلاب‌های روسیه و فرانسه پیوند میان مردم، نیروهای انقلابی و رهبران از طریق به‌کارگیری یک گفتمان مناسب است که در نهایت بسیج اجتماعی فراگیر و گسترده را به دنبال آورد. هنر اصلی یک نهضت یا انقلاب این است که مفاهیم و آموزه‌هایش برای طیف وسیع و گسترده‌ای از مردم در راستای بسیج نمودن آن‌ها تا تحقق آرمان‌ها و سپس تداوم مسیر پیش رو ملموس و قابل درک باشد (Apter & Saich, 1994: chapter 1). از دیگر نوشته‌هایی که در آن از انقلاب به عنوان گفتمان نام برده شده می‌توان به کتاب کیت مایکل بارکر با عنوان «ابداع انقلاب فرانسه» اشاره کرد (Barker, K. M, 1990). جفری هورن نیز در مقاله‌ی «انقلاب به عنوان یک گفتمان» به نقد و بررسی این کتاب و مفهوم گفتمان در انقلاب پرداخته است. در اینجا، گفتمان فرایندی از تحول به حساب می‌آید که از خلال آن مطلق‌گرایی به بهترین وجه شکسته می‌شود. به نظر وی در انقلاب فرانسه سه نوع گفتمان اراده محور، گفتمان عدالت محور و گفتمان خرد محور (عقل) مبتنی بر نقش ایدئولوژی در ترغیب افکار عمومی برای گذار از سیاست مطلق‌گرایی به سیاست انقلابی وجود داشته است (Horn, 1991: 623-632).

بعثت رسول گرامی اسلام (ص)، ارسال و ابلاغ قرآن کریم به عنوان مهم‌ترین منبع شناخت اسلامی و کوشش پیامبر اکرم (ص) برای رشد نهال اسلام حکایت از مبارزه با خرافات و بت‌پرستی و دعوت به اصول دین دارد؛ اما پس از رحلت رسول گرامی اسلام (ص) در مسیر تاریخ اسلام اختلاف‌ها و انحراف‌های بسیاری ایجاد شد که به دنبال آن تلاش برای برگرداندن وضع به حالت مطلوب شکل گرفت. این امر مهم در قالب احیا و اصلاح دینی، یا به تعبیر دیگر تحول‌خواهی دینی یا مذهبی، تبیین می‌شود. گفته شده که اصلاح به معنی سامان بخشیدن است و نقطه‌ی مقابل فساد به معنی ایجاد نابسامانی است (مطهری، ۱۳۸۳: ۶). اثربخشی باورها و گذارهای دینی را در سیره امام علی (ع) نیز ملاحظه می‌شود. ایشان در اوج دین‌داری و منش زاهدانه و عارفانه خویش در امور سیاسی و اداره جامعه نیز سیاستی خردورزانه و انسانی پیشه کرد؛ سیاستی درهم‌آمیخته با اخلاق و انسانیت که برای همیشه تنها راه سلامت سیاست ورزی در این مسیر است. این سیاست و سیره از سر اضطرار یا برای جلب افکار عمومی و یا بنا بر اقتضائات زمانه نبود، بلکه مبتنی بر اصولی بنیادین بود که در ژرفای معارف و آموزه‌های وحیانی ریشه داشت. مهم‌ترین اصول ایشان عبارت از خدامحوری و دین‌باوری، حفظ کرامت انسانی، عدالت، درآمیختگی اخلاق با سیاست، مدارا با مردم و اهتمام به آموزش و تربیت مردم بود (احمدی، ۱۳۹۱: ۱۱۱-۱۰۵). مبارزه با حکام ظالم و فاسد و سه گروه

ناکثین، قاسطین و مارقین جهت‌گیری ایشان را در حرکت به سوی اسلام اصیل نشان می‌دهد. (عنایت، ۱۳۶۲: دیباچه) امام حسین (ع) نیز در توجه به تحول و اصلاح امت اسلامی فرموده‌اند: «إنما خرجت لطلب الإصلاح فی أمة جدی، أريد أن أمر بالمعروف و أنهي عن المنکر و أسير بسره جدی و أبی (عمید زنجانی، ۱۳۷۳: ۸۶). این بیان ارزشمند نشان می‌دهد در این حرکت به جای اهداف مادی و دنیوی، اصلاح فردی و اجتماعی، زدودن خرافه و بدعت و رجوع به اصول متقن اسلامی مورد توجه است.

این جریان‌های فکری در جهان اسلام، مبنایی برای اعتراضات و حرکت‌های انقلابی قرار گرفتند. جهت‌گیری‌های سایر امامان بزرگوار (ع) در طول تاریخ اسلام گواه اثرگذاری آموزه‌های دینی بر حرکت‌های اجتماعی و سیاسی است (بنگرید به: جعفریان، ۱۳۹۱: فصل ۴). تحول‌خواهی و نوگرایی دینی با مفاهیمی همچون اصلاح‌گری، احیاگری و نواندیشی دینی ارتباط دارد، به گونه‌ای که این واژه‌ها به عنوان مترادف به جای همدیگر به کار می‌روند و بر شیوه‌ی کسانی اطلاق می‌شود که با داشتن دغدغه‌ی دینی و ارزش‌های دینی به زدودن عقاید و چهره‌های نامعقول، متحجران و خرافی از دین می‌پردازند (امیری، ۱۳۸۶: ۲۲-۲۳). به‌رحال، علمای مذهبی می‌بایستی موضع خود را در مقابل تحولات جدید روشن کنند، یا به توجیه کامل تحولات عینی و ذهنی جدید بپردازند و یا کاملاً آن‌ها را نفی کنند و یا برخی از تحولات عینی و ذهنی را به حکم تعارض با اسلام رد کنند و بقیه را بپذیرند. با این حال، واکنش مذهبی به تحولات جدید و نوسازی به شیوه‌ی غربی در طی یک قرن متحول شد و از نظر سیاسی از موضعی تدافعی به تدریج به موضعی تهاجمی رسید و در اندیشه‌ی برخی راه‌حل‌هایی برای مسائل جامعه‌ی نو ارائه شد. گسترش علائق روحانیون نسبت به مسائل سیاسی داخلی و بین‌المللی و حضور فعال آن‌ها در تحولات سیاسی، از اواخر قرن نوزدهم، نشانه‌ی تحول در مواضع سنتی آن‌ها بود (بشیریه، ۱۳۸۲: ۱۴۵-۱۴۶). وجه ممیز و نیز بخش کم‌وبیش ثابت انقلاب اسلامی از انقلاب‌های دیگر در چهارچوب معنویت‌گرایی، به عنوان یکی از گفتمان‌های انقلاب اسلامی، فهمیده می‌شود. این معنویت‌گرایی به دو شکل بازگشت به دین و گرایش به اسلام و تشیع ظاهر شده است (ابراهیم‌زاده، ۱۳۸۰: ۴۲). با توجه به این مبانی و چهارچوب نظری و تاریخی «گفتمان تجدید حیات طلبی در جهان اسلام»، «گفتمان تحول‌خواهی اجتماعی و سیاسی» و «گفتمان انقلاب اسلامی با محوریت اندیشه‌های امام خمینی (ره)»، با لحاظ نمودن همنوایی و تأثیرگذاری اندیشه‌ی تحول‌خواه دینی بر تکوین و تکامل این گفتمان‌ها تبیین و بررسی می‌شود. بدیهی است که

اندیشه‌ی تحول‌خواهی دینی بستر تکوین و تکامل گفتمان‌های مورد اشاره است، به گونه‌ای که جدا از آن بستر مسیر تکاملی آن‌ها هموار نیست. میزان همنوایی با آموزه‌های دینی و تأثیرپذیری از گزاره‌ها و احکام دینی در راستای تحول‌خواهی دینی متمایزکننده گفتمان‌های مورد بحث است. در مقاله حاضر تلاش دارد که به مدد یافته‌های تاریخی و شیوه مطالعاتی و پژوهشی در جامعه‌شناسی سیاسی، اندیشه تحول‌خواهی دینی در قالب گفتمان انقلاب اسلامی ایران در بستر تحولات فکری جهان اسلام و تاریخ معاصر کشور مورد تبیین و کنکاش قرار گیرد.

پ- اندیشه‌ی دینی تحول‌خواه و گفتمان تجدید حیات طلبی در جهان اسلام (محوریت اندیشه‌های علماء و مبارزان انقلابی و دینی)

اولین گفتمان مورد بررسی در این نوشتار در قالب تجدیدحیات طلبی یا اصلاح‌دینی در جهان اسلام می‌گنجد. «اصلاح» در لغت تازی به معنی راست ساختن و به سامان کردن چیزها است، پس از آن‌که تباہ شده باشد. «اصلاح الحال» یعنی آن را بر پا ساخت و استوار داشت و شایسته کرد (حلبی، ۱۳۹۰: ۱). «احیا دینی» از ریشه «حی» به معنی رونق دادن، آباد کردن، زنده کردن، بهبود بخشیدن به حال یا وضع کسی یا چیزی یا دین است (عمید، ۱۳۹۶). در رهیافت اصلاح‌طلبانه به سیاست به جای ترک ساده خردمندی که از نسل‌های گذشته به ما رسیده است، می‌توان بر پایه‌های گذشته آینده را ساخت و از خطاهای گذشته درس آموخت. از این راه، دانش و خرد در گذر سال‌ها انباشته‌تر می‌شوند و تاریخ بشر نشان پیشرفت بی‌وقفه می‌خورد (هیوود، ۱۹۹۹: ۵۴۱). لازم به ذکر است که اگرچه در سیر مطالعاتی با اندیشه‌های متنوع در میان علماء هر دو بخش از جهان اسلام مواجه می‌شویم، اما تحول‌خواهی دینی در کانون تمام آن تلاش‌ها قرار دارد. مفروض این است که تحول‌خواهی دینی ترجمان مسئله‌ی اصلاح، احیاء و تجدید حیات طلبی در اسلام و بیداری یا بازخیزی مسلمانان و در مرحله‌ی پیشرفته‌تر آن تجدید بنا یا بازسازی تفکر دینی است. این نگرش در دو الی سه قرن اخیر، از طرف رهبران، علماء، مصلحان و متفکران دینی دو سوی جهان اسلام به منظور رفع عقب‌ماندگی و انحطاط داخلی و نیز برخورد با غرب و هجوم فرهنگ و تمدن و استعمار غربی طرح و دنبال شد. این تفکر، به خصوص در نیمه‌ی دوم قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم تا دوره‌ی جنگ اول جهانی، اندیشه‌ی غالب بر جریان‌های فکری - سیاسی مسلمانان بوده است (موثقی، ۱۳۸۴: ۱۰۳). در قرن نوزدهم برخی از جوامع به‌طور گسترده متوجه شکاف خود با کشورهای اروپایی و

غربی شدند. این شکل‌بندی‌ها با مؤلفه‌های تمدن‌سازی از جمله روش‌های جدید علمی، پدیداری و گسترش فناوری مدرن و بنیادهای فکری-فلسفی که در قالب آموزه‌های مختلف خودنمایی می‌کرد ارتباط تنگاتنگ داشت (قادری، ۱۳۹۲: ۲۰۷). در ایران و دیگر جوامع اسلامی برای توضیح این مقولات و نشان دادن اشتراک یا افتراق آن‌ها با دین و مذهب و هنجارهای سنتی و اتخاذ مواضع موافق یا مخالف آن تلاش شده است. در اینجا، خطوط اصلی اندیشه‌ی بنیان‌گذاران این حرکت، شامل سید جمال‌الدین اسدآبادی، محمد عبده، عبدالرحمن کواکبی، محمد رشید رضا و محمد اقبال لاهوری، تجزیه و تحلیل می‌شود. این متفکران و علما، گرچه در یک روند مطالعاتی در کنار یکدیگر قرار داده شده‌اند، ولی از ویژگی‌های مبارزاتی و فکری منحصر به فرد برخوردار می‌باشند. توجه به وجوه افتراق و اشتراک آنان در شناخت دقیق و تبیین این گفتمان ضرورت دارد.

سید جمال‌الدین اسدآبادی، قرآن را تنها منبع کامل دانش‌ها و اخلاق آرمانی می‌داند. قرآن، احکام مربوط به رفتار و کردار فرد مسلمان را در بردارد و الگوی یک نظام اجتماعی را عرضه می‌کند. برای اجرای اصلاحات اسلامی، خواستار احیاء اسلام بر مبنای خرد و تجدیدنظر در اندیشه‌های مذهبی شد (لوین، ۱۳۷۸: ۱۰۹). او دریافته بود ملت مسلمان در چنگال استبداد داخلی و استعمار خارجی اسیر است و رنج می‌کشد و بر این عقیده بود که برای رهایی از این اسارت و درد باید مردم بیدار و آگاه شوند و چهره‌ی استعمار شناسانده شود و به مردم تفهیم شود که تنها راه خلاصی‌شان در قدم اول وحدت و در قدم دوم قیام و حرکت آنان است. در مصر با تشکیل حزب الوطنی رسالتش را انجام داد، در هند با ملاقات با علما و نگارش رساله‌ی نیچریه در رد مادی‌گرایان، در ایران به دنبال نهضت مشروطیت و تحریم تنباکو و ملاقات با علماء بزرگ و نامه‌ی معروفشان به میرزای شیرازی، در اروپا با تأسیس نشریه‌ی عروه‌الوثقی در پاریس و سرانجام در ترکیه با مبارزه با سلطان عبدالحمید و تسریع مشروطیت در ترکیه نقشی فعال در جهت تحول‌خواهی دینی ایفا نمود (الگار، ۱۳۹۶: ۱۲۷). به اتحاد دنیای اسلام تأکید فراوان داشت و نشان داد که مسلمانان در هر جای دنیا، باید هماهنگی داشته باشند، در جریان نهضت تحریم تنباکو و نهضت مشروطیت ایران، با علمای این نهضت تماس داشته و نامه‌های او، چون کاتالیزور، تسریع‌کننده‌ی این حرکت شمرده می‌شده است (تیموری، ۱۳۶۱: ۲۲۲-۲۲۴). وی بدون شک در برانگیختن فکر مردم مستعد برای روزنامه‌نگاری و انتقاد از دستگاه حکومت، سرآمد عوامل مؤثری بوده که در پیشرفت روزنامه‌نگاری در ایران و مصر اثر بخشیده‌اند (محیط طباطبایی، ۱۳۷۰: ۱۵۴). همواره تحت تعقیب بود و به کشورهای مختلف سفر می‌کرد. این

سفرها موجب شناخت عمیق دردهای سایر کشورهای اسلامی شد و سرانجام به این نتیجه رسید که بیماری اصلی تشنگی دینی و سیاسی مسلمین و سلطه استعماری است و علاج را وحدت مسلمانان علیه نفوذ استعمار می‌دانست.

تحول‌خواه دینی دیگر، محمد عبده است. وی مهم‌ترین استاد او در علوم عقلی و فلسفه بود و وقتی که وارد مصر شد، محمد عبده به مصاحبت با او نائل و به فراگیری قسمتی از علوم ریاضی و فلسفه و علم کلام از وی مشغول گشت. محمد عبده به تلاش‌های علمی خود ادامه داد تا این‌که رساله‌ی الوارادات را نوشت و سید جمال هم شیفته‌ی رفتار و اخلاق او شده بود. مقالات وی در الاهرام چاپ می‌شد. سپس به حزب الوطنی، به رهبری سید جمال، پیوست تا حدی که نفر دوم این حزب شد. به هنگام تبعید محمد عبده از مصر، با همکاری استاد، مجله‌ی عروه‌الوثقی را به چاپ رسانید. او تحول‌اندیشه‌ها و روحیات را پایه‌ی هر انقلاب سیاسی موفق و حکومت سیاسی استوار می‌شمرد. تحول‌خواهی دینی و فرهنگی و اصلاح‌اندیشه دینی را زیر بنایی مستحکم برای حکومت اسلامی می‌داند (مطهری، ۱۳۸۳: صص ۱۵۵-۱۵۹).

عبدالرحمن کواکبی دیگر تحول‌خواه دینی در جهان اسلام است. او گام‌هایی بلند در مبارزه با استبداد و استعمار برداشته است. متفکر اسلامی ضد استبداد بود و با ترکان عثمانی که بر سوریه حکومت می‌کردند سخت مبارزه می‌کرد. دارای دو کتاب «طبیاع الاستبداد» و «ام‌القری» است. در عصر پادشاهانی مستبد می‌زیسته که «حکومت خود را موهبتی الهی می‌دانستند و بر خود القابی هم چون «ظل الله الاکرم، خلیفه الاعظم و وارث الانبیا» می‌گذاشتند (نقوی، ۱۳۷۰: ۲۷-۳۴). حیات کواکبی با حکومت عبدالحمید همراه بود، عبدالحمید دیکتاتوری مستبد و خشن بود که مانع اصلاحات اجتماعی و سیاسی شد. مجلس را منحل نمود و قانون اساسی را ملغی کرد، مخالفین و روشنفکران را تحت تعقیب قرار داد (منوچهری، ۱۳۶۱: ۷۲). در آثار وی، جریان‌های عمده‌ی ایدئولوژیک جهان عرب در پایان سده‌ی نوزدهم و آغاز سده‌ی بیستم را به آسانی می‌بینیم، از آن جمله، نبرد برای احیاء اسلام، ناسیونالیسم عرب، فراخوانی به دستاوردهای تمدن اروپا، دشمنی با استعمار، اندیشه‌های مشروطه‌خواهی، پارلمنتاریسم و همانند آن. طبق تصورات ایده‌آلیستی خود این اندیشه را مطرح می‌کند که اسلام زیر بار بدعت‌های منقول و بیگانه با آن، که در روند زمان پدیدار گردید، از هم‌گسیخته و نقش آن به عنوان یک نیروی کوشا در میان مسلمانان متوقف شده است (لوین، ۱۳۷۸: ۱۲۷). وی به ضرورت رشد شعور دینی و آگاهی سیاسی، نظارت بر کار حکام، توجه به همبستگی

دین و سیاست، محوریت اصل توحید از جنبه‌ی عملی و سیاسی، یادگیری حکمت نظری، فلسفه‌ی عقلی، حقوق، سیاست مدنی و تاریخ تأکید نموده و به ارتقاء آگاهی سیاسی، مذهبی و اجتماعی توجه داشته است.

محمدرشیدرضا، دیگر تحول‌خواه دینی متأثر از سیدجمال و محمد عبده است. روش او، اگرچه به ظاهر به مدرنیسم می‌ماند، اما وابستگی نزدیک‌تری به سنت‌گرایی را منعکس می‌کند. از بزرگان اسلام الهام می‌گرفت که معنی حقیقی اسلام را منطبق بر قرآن و سنت درک کرده‌اند. علت زوال و فساد اسلام را جهل مسلمانان از معنای واقعی اسلام می‌دانست. فساد فرمان‌روایان را در وادار کردن به تسلیم طلبی اتباعشان در برابر جهل مورد ملامت شدید قرار می‌داد. در برابر این سؤال که مسلمانان چگونه این کیفیات را دوباره زنده نمایند؟ می‌گفت: با درک معنی حقیقی اسلام (خدوری، ۱۳۵۹: ۲۳-۲۴). فساد علما و خضوع آن‌ها را در برابر فرمان‌روایان به مثابه‌ی یکی از علل انحراف خلافت از شکل آرمانیش در زمان راشدین، به آلتی برای خدمت به کمترین منابع جباران و سلاطین می‌داند و بدین‌گونه ستمی را که به شکل عادی حکومت در تاریخ اسلام درآورده‌اند تشخیص می‌دهد. او موضع دولت اسلامی را پس از بررسی مسائل خلافت در سه مرحله مطرح می‌کند. نخست، بنیان‌های خلافت در تئوری سیاسی را ردگیری می‌کند، پس از آن شکاف میان آن تئوری و عمل سیاسی مسلمانان سنی را ارائه می‌دهد، بالاخره عقیده‌ی خود را، در این باره که یک حکومت چگونه باید باشد، پیش می‌کشد (عنایت، ۱۳۶۲: ۸۰-۸۱).

یکی دیگر از تحول‌خواهان دینی محمد اقبال لاهوری است که در کتاب احیاء فکر دینی در اسلام، اصول اسلام را با موازین علم و فلسفه‌ی امروزی تبیین می‌کند. با اعتقاد به ضرورت و سودمندی اصول اسلام در قالب مفاهیم علمی و فلسفی، تمدن مادی را نکوهش کرده و اروپا را بزرگ‌ترین مانع پیشرفت اخلاقی بشر خوانده است. از نظر وی، تحول‌خواهی دینی مبتنی بر درک دستاوردها، ضعف‌ها، کمبودها، نیازها، مقتضیات، مسائل، بحران‌ها، ضرورت‌ها و آرمان‌ها و خواسته‌ها و دردها و دغدغه‌ها است (اقبال لاهوری، ۱۳۹۷: ۳۳-۳۴). کلنگ بنای پاکستان اسلامی و مستقل توسط این متفکر سیاستمدار و متدین و متعهد به زمین زده شد. این طبیب بزرگ دردشناس که با تحقیق و دقت تمام به درد مسلمانان رنجور و استعمار زده پی برده و داروی آن را از پیش آماده کرده بود راه علاج را در جلسه مسلم لیگ مطرح کرد (حلبی، ۱۳۷۱: ۲۷۴-۲۷۵). محمد اقبال لاهوری در بهترین شیوه ممکن از شناخت اسلامی و آموزه‌های تحول‌خواهی دینی برخوردار است. گفتمان

تجدید حیات طلبی با رجوع به اندیشه‌های او استحکام کافی دارد. نقطه اشتراک فکری و مشی مبارزاتی کسانی که در گفتمان تجدید حیات طلبی می‌کوشند دغدغه نسبت به مهجوریت آموزه‌ها و احکام دینی در فعالیت‌های اجتماعی و مدیریت حکومت، سازش‌ناپذیری با حضور و تسلط استعمارگران مغرب زمین در کشورهای اسلامی، تمرکز بر استقلال و تمامیت مسلمانان در زمینه‌های مختلف، نگرانی نسبت به فقر و توسعه‌نیافتگی مسلمین و زمینه‌سازی برای تحقق حکومت اسلامی است. گفتمان تجدید حیات طلبی اسلامی با این ویژگی‌های محتوایی از گفتمان‌های غیرمتماثل به اندیشه تحول‌خواهی دینی جدا می‌شود. این گفتمان ورود و تأثیرگذاری مشهود در تاریخ معاصر داشته و اندیشه تحول‌خواهی دینی در ایران را به صورت چشمگیر تحت تأثیر قرار داده است. گفتمان مزبور، هم در میان مسلمانان شیعه و هم در میان اهل سنت، در یک گستره جغرافیایی و زمانی وسیع، در سراسر تاریخ اسلام تکوین و تکامل یافته است.

ت-اندیشه دینی تحول‌خواه و گفتمان تحول‌خواهی اجتماعی و سیاسی (محوریت تحولات تاریخ معاصر ایران و مبارزات علماء دینی)

اسلام همیشه در برابر حکومت‌های استبدادی نقش بازدارنده داشته است، زیرا تلقین و توجیه این فکر که قوانینی بالاتر و والاتر از اراده‌ی بشری وجود دارد و حکومت‌ها حق ندارند بدان تجاوز کنند، وگرنه مشروعیت خود را از دست می‌دهند، خود مانع بزرگی در راه مستبدان و پادشاهان بوده است. خودکامگان ناچار بودند که برای رعایت ظاهر و راضی کردن توده‌های مردم، از پاره‌ای کارها خودداری کنند. مطالعه‌ی اجتماعی تاریخ دوران صفوی و قاجاریه و حتی پهلوی نشان می‌دهد که تا چه اندازه قیام مذهبی و اعتراض‌های روحانیون در جلوگیری از خودسری پادشاهان اثر داشته است. از سوی دیگر، چون غالب حکمرانان به واقع اعتقادی به مذهب نداشته‌اند و آن را مانعی در راه اجرای امیال خویش می‌دیدند (کاتوزیان، ۱۳۶۰: ۳۰۴). از مهم‌ترین زمینه‌های تاریخی بروز اندیشه تحول‌خواهی دینی می‌توان تبعات فرهنگ غربی در جامعه ایران و آشنایی با نقاط مثبت و منفی آن، شکست ایران در عصر قاجار از روسیه و تبعات آن و درس‌هایی که آموخت و توسعه صنعت چاپ و انتشار را نام برد (حلبی، ۱۳۹۰: ۳). ذکر این نکته ضرورت می‌یابد که تکوین و گسترش گفتمان تحول‌خواهی اجتماعی و سیاسی در تاریخ معاصر ایران نیز جدا از اندیشه دینی تحول‌خواه میسر نیست. مسئله‌ی محوری این است که رویکرد دینی به تحول‌خواهی اجتماعی و سیاسی در روندی

تاریخی سرانجام در انقلاب اسلامی ایران و مبتنی بر اندیشه‌ی علماء معاصر محقق شده است. چنانکه اشاره شد گرچه در سیر مطالعاتی با اندیشه‌های متنوع در میان علماء هر دو بخش از جهان اسلام مواجه می‌شویم اما تحول‌خواهی دینی در کانون آن تلاش‌ها قرار دارد. با توجه به تأکید مقاله حاضر بر جامعه ایران تا انقلاب اسلامی، به دیدگاه‌های آیت الله نائینی، آیت‌الله مدرس، آیت‌الله کاشانی، آیت‌الله مطهری و امام خمینی (ره) اشاره می‌شود. لازم به ذکر است که برای توجه دقیق به روند تاریخی تکامل اندیشه تحول‌خواهی دینی، مبارزات و دیدگاه‌های امام خمینی (ره) در قالب گفتمان سوم تحت عنوان تکامل تحول‌خواهی دینی در گفتمان انقلاب اسلامی مورد بررسی و تبیین قرار خواهد گرفت.

کتاب مهم آیت الله نائینی «تنبيه الامه و تنزيه المله» است. ایشان فساد جامعه را منتج از استبداد دینی و سیاسی و راه تحول و اصلاح را، اصلاح دستگاه دینی و سیاسی می‌دانست. سه مرحله در زندگی سیاسی و دینی این تحول‌خواه دینی قابل ذکر است: نخست با قلم و قدم بر ضد استبداد به فعالیت پرداخت و با مشروطه خواهان ایرانی همکاری کرد و به عنوان یک استاد مسلم فقه و اصول و یکی از مهم‌ترین مجتهدان زمان خویش نقش فعالی ایفا نمود، در مرحله‌ی دوم، به عنوان یکی از رهبران ملی عراق بر ضد حکومت تحت‌الحمایه انگلستان در آن کشور برخاست و همراه دیگر علماء شیعه و سران قبایل در راه به دست آوردن استقلال عراق کوشید. هدف اصلی اش مبارزه با استبداد و استعمار و ایجاد آگاهی در بین رهبران سیاسی و مذهبی جامعه بود (حائری، ۱۳۶۴: ۱۹۴-۱۹۵). بخشی از کتاب وی به اثبات قانونی و مشروع بودن حکومت مشروطه و غیرقانونی و نامشروع بودن استبداد اختصاص یافته است. برخی از واژه‌هایی که نائینی به عنوان مترادف «استبداد» می‌آورد عبارتند از «استعباد»، «اعتساف»، «تسلط»، «تحکم»؛ واژه‌های مترادف «مستبد» نیز عبارت‌اند از «حاکم مطلق»، «حاکم بامر»، «مالک رقاب» و «ظالم قهار» (حائری، ۱۳۶۴: ۲۲۰-۲۲۳). با نفی نظریه‌ی دولت استبدادی، دموکراسی پارلمانی و حکومت مشروطه را از نظر فقهی تبیین نمود. به نظر او، حکومت غیردینی اساساً نامشروع و در حکم غصب اصل تصدی است. حکومت جور و استبداد هم غصب حق الهی و هم غصب مقام ولایت و امامت و هم موجب ظلم به بندگان است، درحالی‌که حکومت محدود و مشروط به قانون، تنها غصب مقام امامت محسوب می‌شود (بشیریه، ۱۳۸۲: ۱۴۸). کوشش می‌کرد مشروطه گری را با اسلام آشتی دهد و استدلال می‌کرد که شأن و مقام، استقلال، ملیت، امتیازهای دینی و میهنی هر مردمی به چنان دستگاه حاکمه‌ای بستگی دارد که در دست خود مردم باشد وگرنه

دین، شأن و مقام، استقلال میهنشان و ملیتشان به‌طور کامل نابود می‌شود، حال هرچه می‌خواهند نیرومند، ثروتمند، پیشرفته و متمدن باشند (حائری، ۱۳۶۴: ۲۳۱-۲۳۳).

تحول‌خواه دینی دیگر، آیت‌الله سید حسن مدرس است. ایشان از ابتدای کودتای رضاخان، به افشاگری پرداخت و ماهیت سرسپردگی و جنایت رضاخان و دار و دسته‌اش را برملا کرد. وی به هیچ‌وجه حاضر به سکوت و سکون نبود و هیچ‌گونه تهدید و تضمینی نتوانست وی را از راهی که در پیش گرفته بود باز دارد (منصوری، ۱۳۷۹: ۴۴). با طرح یکی بودن دین و سیاست، سعی داشت قوانین اجتماعی از مجرای دینی تدوین شود و با طرح سیاست موازنه‌ی منفی گام‌های بلند را در جهت کوتاه کردن نمودن دست داعیان دموکراسی غربی برداشت. تأکید می‌کرد که ضرورت دارد توازن عدمی را نسبت به همه‌ی دولت‌ها مراعات نمود و نه توازن وجودی را و تمایل به هر سیاست خارجی، چه شمال، چه جنوب، چه غرب و چه شرق را مردود می‌شمرد. خطوط اصلی نظریه‌ی آیت‌الله مدرس، اندیشه‌های جامعیت، ایرانی‌گرایی، توازن عدمی، روشن‌فکری، قانون‌مندی، توجه به مجلس و جایگاه و حقوق آن و همراهی سیاست و دیانت است (ملک محمدی، ۱۳۸۳: ۴۷). او هدفی جز عظمت و حفظ اسلام و آزادی انسان‌ها نداشته و خودکفایی و استقلال فرهنگی و اقتصادی کشور را تنها با اعمال سیاست توازن عدمی و جلوگیری از نفوذ استعمار شرق و غرب ممکن می‌دانست.

دیگر تحول‌خواه و مبارز دینی، آیت‌الله سید ابوالقاسم کاشانی است. ایشان همواره درصدد بود که خواب راحت را از چشم بیدادگران داخلی و استعمارگران خارجی بریابد. طی سال‌های اقامتش در عراق هرگز از مسائل و معضلات ممالک استعمارزده به‌ویژه ایران غافل نشد و سعی داشت که در راستای پیشبرد اهداف و مقاصد اسلام و احقاق حق ملت مسلمان، گام‌هایی اساسی و بنیادین بردارد (بنگرید به: وزارت اطلاعات، ۱۳۷۹، ج ۱). معتقد بود در مملکتی که بویی از عدالت و قانون نیست و همه‌چیز دستخوش هوی و هوس معدودی خائن و وطن‌فروش خودسر است چگونه می‌توان زیست، مسئول آن همه مظالم خانمان‌سوز و مرجع دادخواهی کی و کجاست (مدنی، ۱۳۶۹: ۲۴). جنبه‌ی مذهبی به مبارزاتش بعد فراملی داده و مبارزه با استعمار و نجات جهان اسلام آرمان ماهوی او شده بود. به وحدت جهان اسلام جدی می‌نگریست و نسبت به مسائلی که در جهان اسلام می‌گذشت، نمی‌توانست بی‌تفاوت باشد (حسینیان، ۱۳۸۱: ۶۳). بر این باور بود که وضع کلی و حوادث جهان اسلام بر یقین ما می‌افزاید که وجود یک جبهه‌ی متشکل از ملل مسلمان و هماهنگی دولت و ملت ضروری به نظر می‌رسد (حسینیان، ۱۳۸۱: ۲۳۲-۲۳۳). در جریان نهضت ملی شدن صنعت نفت، در

یک مصاحبه، اظهار داشت که در صورت لزوم برای مقابله با انگلیس اعلام جهاد خواهد کرد و نه تنها ملت ایران بلکه سایر ملت‌های مسلمان را در مقابله با استعمار انگلیس برای این جهاد دعوت می‌نمایند (منصوری، ۱۳۷۹: ۴۴). مبارزه با استعمار، آگاه نمودن مردم نسبت به مسائل اجتماعی و سیاسی و سرنوشت خویش، دعوت به اتحاد و همبستگی، رسوا نمودن مسئولین کشوری که عوامل و مزدوران دولت‌های بیگانه هستند، تلاش برای خلع آن‌ها از مناصب، مبارزه با استبداد و خودکامگی، حفظ استقلال و نفی وابستگی و مبارزه با مظاهر ضد دینی و مبارزه با استبداد داخلی و تلاش به منظور گسترش تعالیم اسلامی و آگاهی سیاسی و اجتماعی در کانون اندیشه‌های او قرار دارد.

آیت ... مرتضی مطهری نیز جایگاهی ویژه در گفتمان تحول‌خواهی اجتماعی و سیاسی، مبتنی بر درون‌مایه‌های دینی، مردم دارند. وی نقشی مهم برای آگاه‌سازی دینی مردم ایفا نموده و به تحول‌خواهی دینی در بیان حقائق سخنان ائمه، سیرت و کلام آن‌ها و تشریح آن‌ها و روشنگری در این زمینه توجه فراوان داشت. به گفته وی فکر دینی در ما هست ولی در یک حالت نیمه بیدار و نیمه‌خواب، در یک حالت نیمه مرده و نیمه زنده (مطهری، ۱۳۸۲: ۱۱۳). بر اساس آموزه‌های اسلامی، تحول‌خواه و مصلح دینی باید نشانه‌های محوشده‌ی راه خدا را بازگرداند، پیشرفتی بنیادین در زندگی مردم ایجاد کند، بندگان مظلوم را از شر ظالمان نجات دهد و حدود تعطیل‌شده و قوانین اسلام را بر پا دارد. اگر اندیشه‌های بیگانه، تجددگرایی افراطی، ناتمام گذاشتن فعالیت رهبری از جانب روحانیت، رخنه‌ی فرصت‌طلبان، ابهام طرح‌های آینده و تغییر جهت اندیشه‌ها و نیت‌ها وجود داشته باشد این نهضت به پیروزی نخواهد رسید (مطهری، ۱۳۸۳: ۸۳-۹۰).

ث- تکامل تحول‌خواهی دینی در گفتمان انقلاب اسلامی (محوریت اندیشه‌ها و

مبارزات امام خمینی رحمه‌الله علیه)

انقلاب اسلامی با بهره‌گیری از مکتب اسلام، مبتنی بر شالوده‌های دینی و معنوی است، به گونه‌ای که ویژگی‌های ذیل در آن مشاهده می‌شود و بر اساس آن‌ها مسیر تحول‌خواهی اسلامی، در دو بعد نظری و عملی، ترسیم می‌شود. این ویژگی‌ها، در ابعاد ذیل، نقش مهم در اصالت دادن به گفتمان مزبور ایفا می‌کند و انحراف از آن‌ها موجب خلل در اهداف و آرمان‌ها می‌شود.

۱- بعد نظری

این بعد از گفتمان انقلاب اسلامی مشتمل بر محوریت حاکمیت الهی و مشروعیت دینی، رهبری

اثربخش ولایت‌فقیه و مرجعیت دینی، وحدت و همبستگی در قالب مفهوم امت، تعامل دین و سیاست با محوریت دین، تلاش برای رسیدن به اهداف معنوی و مادی، پیوند عمیق و همه‌جانبه‌ی دولت و امت، جامع‌نگری، کمال‌جویی، فراگیری و ژرف‌نگری می‌شود (عبدالهی، ۱۳۹۰: ۲۷-۲۸).

۲- بعد عملی

این بعد از گفتمان انقلاب اسلامی مشتمل بر روحیه‌ی استقلال‌طلبی، آزادی‌جویی، نفی سازش با مصادیق کفر، عدم‌گرایی به غرب و شرق، حفظ اصول در تمامی مراحل، ارائه‌ی انقلاب در سطح جهانی، تلاش برای نیل به اهداف موعود، عمل نمودن بر اساس عدالت محوری، پویایی و تحول در آرمان‌ها و به‌کارگیری کلیه‌ی منابع و امکانات است. بر این مبنای گفتمان انقلاب اسلامی، فراتر از یک واژه یا اصطلاح سیاسی و اجتماعی و یا حتی یک رخداد در راستای تغییر گسترده، بلکه در حد یک موضوع قرار می‌گیرد. توجه به گفتمان انقلاب اسلامی با محوریت اندیشه‌های امام خمینی (ره) در راستای تحول‌خواهی دینی از جایگاه ممتاز برخوردار است. امام خمینی (ره) مهم‌ترین عالم مبارز و تحول‌خواه دینی در جهان اسلام شمرده می‌شود که بزرگ‌ترین تحول تاریخ معاصر ایران و اسلام را رقم زدند. این تحول، علاوه بر بعد اجتماعی و سیاسی، به یک گفتمان هم در عرصه تحول‌خواهی دینی می‌ماند (فلاحی، ۱۳۸۵: ۴۹). امام خمینی (ره)، دلیل موفقیت پیامبران را قیام در راه خدا و علت بدبختی مسلمین را خودخواهی و ترک آن قیام معرفی می‌کردند. به زعم ایشان خودخواهی و ترک قیام برای خدا، ما را به این روزگار رسانده و همه‌ی جهانیان را بر ما چیره کرده و کشورهای اسلامی را زیر نفوذ دیگران درآورد. قیام برای منافع شخصی است که روح وحدت و برادری را در ملت اسلامی خفه کرده، قیام برای نفس است که بیش از ده‌ها میلیون جمعیت شیعه را به‌طوری از هم متفرق و جدا کرده که طعمه‌ی مستی شهوت‌پرست پست‌میزنشین شدند (فلاحی، ۱۳۸۵: ۴۹-۵۰).

در بررسی مسائل ایران طی دهه‌های ۴۰ و ۵۰ می‌توان گفت گرچه حکومت در رشد اقتصادی و اجتماعی تا اندازه‌ای پیش رفته بود، اما توسعه‌ی سیاسی از رکود طولانی رنج می‌برد. طبقه متوسط جدید و کارگر صنعتی مواجه با انقباض یافتگی سیاسی و نبود مشارکت سیاسی، به نیرویی قوی در مخالفت با حکومت تبدیل و با پیوستن به گروه‌های مذهبی مخالف وضعیت موجود و پذیرفتن رهبری دینی، مسیر را هموار می‌نمودند. رهبر انقلاب مخالفت با حکومت غیردینی را دنبال می‌کردند. وابستگی به امپریالیسم و صهیونیسم، نقض قانون اساسی، دامن زدن به شکاف طبقاتی، ریشه‌کنی

فرهنگ دینی و هدر دادن سرمایه‌های کشور در راه نظامی‌گری را مورد انتقاد قرار می‌دادند. ایشان در راستای ریشه‌یابی و برطرف نمودن مشکل‌های مسلمین بر این باورند که مشکل مسلمین، حکومت‌های مسلمین است (موسوی خمینی، ۱۳۶۲: دفتر ۱۱). در پاسخ محافظه‌کاران و منتقدانی که پیروزی بر رژیم را ممکن نمی‌دانستند، می‌فرمودند ما مأمور به تکلیف هستیم نه مأمور به حصول نتیجه (صباغ جدید، ۱۳۸۶: ۳۱۸). ایشان هیچ‌گاه به دنبال دنیا نرفته و از آن رویگردان بودند. درست به همین دلیل و به مشیت خداوند، دنیا در تمام مظاهر گوناگونش به ایشان روی آورده و به اوج محبوبیت، شهرت، قدرت و امکانات دنیایی دست‌یافته و در امتحان الهی سربلند بودند (اخوان کاظمی، ۱۳۸۵: ۵۸). وظایف علمای اسلام را معرفی اسلام راستین، لزوم کسب علم همراه با تهذیب نفس و آمادگی برای پذیرش مسئولیت‌های آینده و معرفی توانایی‌های اسلام در تشکیل حکومت می‌دانند (فلاحی، ۱۳۸۵: ۱۸۳). آن رهبر انقلابی، هدف‌ها و آرمان‌ها را گفته و تمام هستی‌اش را برای تحقق آن‌ها به کار گرفته بود. در یکی از سخنان خود می‌گویند از ملت تشکر می‌کنم که در همه‌ی مراحل قبل از انقلاب تا زمان انقلاب و تا پیروزی انقلاب یکدل و یک جهت برای عدل اسلامی و برای دفع اشرار و رژیم‌های فاسد و اقامه‌ی نظام جمهوری اسلامی کوشش کرده‌اند و از زمانی که به پا خاستند تاکنون در صحنه بودند و با تمام توان خود و بذل مال و جان و فرزند و خاندان برای پیدا شدن عدل الهی و مستقر شدن احکام آسمانی کوشا بوده‌اند (موسوی خمینی، ۱۳۶۸: ۲۸۱). در نهایت می‌توان استنباط نمود که گفتمان انقلاب اسلامی ایران اوج تأثیرگذاری و تکامل نیروهای مذهبی در تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است. با دقت در روحانیت شیعه در تاریخ معاصر ایران، امتیازات و موقعیت‌های منحصربه‌فرد آن دیده می‌شود. در این میان، شم سیاسی و قاطعیت انقلابی قرار دارد و به اعتبار آن‌ها، گفتمان انقلاب اسلامی ایران از جایگاهی ممتاز برخوردار است. بهره‌گیری از تعالیم اسلام و مذهب تشیع، به گفتمان مزبور، معنایی متفاوت از سایر گفتمان‌ها و قالب‌های فکری داده است. گفتمان انقلاب اسلامی و اندیشه‌های رهبری آن نشان اثرگذاری آموزه‌های دینی در قالب تحول‌خواهی دینی در بستر تاریخ معاصر ایران و انقلاب اسلامی است.

نتیجه‌گیری

با دقت در مباحث مطرح‌شده در این مقاله چنین استنباط می‌شود که گفتمان انقلاب اسلامی گفتمانی مؤثر و پایدار است که ریشه در سایر گفتمان‌های مبتنی بر اندیشه تحول‌خواهی دینی در

تاریخ معاصر جهان اسلام و ایران دارد و با تحقق مقدمات و زمینه‌های اجتماعی و سیاسی آن رخ نمایانده است. اندیشه تحول‌خواهی دینی در قالب گفتمان انقلابی مستلزم همراهی نیروها و عوامل اجتماعی، سیاسی و دینی در یک فرایند تاریخی رو به تکامل بوده است. این گفتمان در حقیقت شکل تکامل یافته سایر گفتمان‌ها در طول تاریخ اسلام و ایران به حساب می‌آید. اسلام مجموعه‌ای از عقاید و احکام است که از طرف خدا و به وسیله‌ی رسول خدا (ص) برای سعادت و کمال فردی و اجتماعی و دنیوی و اخروی ارسال شده است. مکتب اسلام نیز دارای جامعیت و شایستگی است که برای سؤال‌ها و دغدغه‌های بشر، مناسب‌ترین و کاربردی‌ترین راه‌حل‌ها را دارد و مسئله‌ای را بدون پاسخ نمی‌گذارد. در این میان، اندیشه‌ی دینی، وامدار تحولات تاریخ اسلام است. این اندیشه در پیوند با مسائل جهان اسلام و ایران در دوره‌ی معاصر، به عنوان اندیشه‌ای پویا و کاربردی در عرصه‌های مختلف آثار خود را نشان می‌دهد و مناسب‌ترین راه‌ها را عرضه می‌نماید. مفهوم انقلاب، در این چهارچوب، مبتنی بر شالوده‌های دینی و معنوی است. محور قرارگرفتن ارزش‌ها، اصول، معیارها و احکام و قواعد دینی، گفتمان انقلاب ایران را به عنوان یک گفتمان انقلابی مبتنی بر اندیشه تحول‌خواهی دینی معرفی می‌نماید. چنین تحولی را نمی‌توان جدا از ریشه‌های تاریخی و جامعه‌شناختی آن تصور نمود. انقلاب اسلامی، با محوریت اندیشه‌ی تحقق حکومت اسلامی، محور نظام حکومتی پهلوی و استقرار نظام اسلامی را از اصول مسلم خود قرار داد. بر این مبنا، استنتاج می‌شود که سه گفتمان تجدید حیات طلبی در جهان اسلام، تحول‌خواهی اجتماعی و سیاسی در تاریخ معاصر ایران و انقلاب اسلامی دست کم در یک نقطه به اشتراک و وحدت رویه می‌رسند. آن نقطه، تأثیرپذیری از اندیشه‌ی تحول‌خواهی دینی است. این اندیشه در نیل به تحول‌خواهی از گذرگاه‌ها و مسیرهای بسیاری عبور نموده و سرانجام در گفتمان انقلاب اسلامی ایران به مرحله‌ای نوین از حیات خود وارد شده و علیرغم تفاوت‌هایی در برهه‌های تاریخی، برای زدودن انحرافات و حرکت شتابان به سمت اصول متقن اسلامی توأم با تلفیق نوگرایی و ارزش‌ها و احکام دینی می‌کوشد. تحول‌خواهان مسلمان، راه‌حل مناسب را در اتحاد و انسجام امت اسلامی، آگاهی نسبت به مسائل دینی، اجتماعی و سیاسی و رجوع به اصل اسلام جستجو می‌کنند. از نظر اغلب آنان، این امر مهم تنها با استقرار حکومت اصیل اسلامی تحقق خواهد یافت. پس چنین می‌توان اظهار نمود که تحول‌خواهی اجتماعی و سیاسی منهای گزاره‌های برگرفته شده از اندیشه دینی میسر نیست. گفتمان انقلاب اسلامی برآیند مجموع گفتمان‌ها و قالب‌های نظری با محوریت اندیشه دینی است و حکایت از روند تاریخی

گرایش به اندیشه دینی در اداره جوامع اسلامی دارد. گفتمان‌های بررسی شده در این نوشتار برای توسعه اجتماعی، سیاسی و اقتصادی کشورهای اسلامی در دوره معاصر گام‌های بلند و راهگشا برداشته و در تقابل، تکمیل یا نقض نظریه‌های کم تمایل یا بی‌تمایل به اندیشه دینی قرار دارند. این گفتمان، که در همسویی با اندیشه‌ی ترقی‌خواه دینی برترین گفتمان اجتماعی و سیاسی محسوب می‌شود، عصاره‌ی مبارزات و تلاش‌های توسط تحول‌خواهان دینی دو قرن اخیر در راه استقرار ارزش‌های اسلامی است. مخالفت با حکومت استبدادی، سلب آزادی و هتک کرامت اسلامی، بی‌اعتنایی به مبانی دینی و احکام شرعی، شیوع فساد و فحشا و مواد مخدر، طرد دین در مقابل سیاست، بی‌احترامی به مقدسات اسلامی و روحانیت، تبعیض و افزایش شکاف طبقاتی، رشد دستگاه‌های امنیتی و پلیسی، استقرار کاپیتولاسیون، تسلط عناصر غیرمسلمان در ارکان حکومتی و اداری، تبعیض نژادی و عدم تقویت استقلال سیاسی در رأس اندیشه‌های این گفتمان قرار دارد. فراموشی اتحاد و همدلی اعتقادی، تضعیف و محو‌انگیزه‌های دینی و الهی، عدول از اصول و ارزش‌های اصیل دینی و نادیده‌انگاشتن توانایی‌های جامعه دین‌دار اسلامی، از مهم‌ترین آسیب‌ها و آفات است که بر گفتمان‌های مبتنی بر تحول‌خواهی دینی خدشه وارد می‌نماید. پیشگیری از ابتلا به آسیب‌ها، رمز بقا و تداوم گفتمان انقلاب اسلامی است.

منابع

الف- منابع فارسی

- ابراهیم‌زاده، حسن (۱۳۸۰)، «اسلام اروپایی از راه رسید»، ماهنامه‌ی غرب در آئینه‌ی فرهنگ، شماره‌ی ۳۳، تهران: سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی.
- احمدی، حمید (۱۳۹۱)، *تاریخ امامان شیعه*، قم: نشر معارف.
- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۵)، *نقد و ارزیابی نظریه‌ی کاریزمایی امام خمینی (ره)*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ازغندی، علیرضا (۱۳۷۶)، *ناکارآمدی نخبگان سیاسی ایران بین دو انقلاب*، تهران: نشر قومس.
- اقبال لاهوری، محمد (۱۳۹۷)، *احیای فکر دینی در اسلام*، احمد آرام، تهران: شرکت سهامی انتشار.

- الگار، حامد (۱۳۹۶)، *دین و دولت در ایران*، ابوالقاسم سری، تهران: نشر توس.
- امیری، جهاندار (۱۳۸۶)، *اصلاح‌طلبان تجدیدنظرطلب و پدرخوانده‌ها*: تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۲)، *موانع توسعه‌ی سیاسی در ایران*، تهران: نشر گام نو.
- تیموری، ابراهیم، (۱۳۶۱)، *قرارداد ۱۸۹۰ رژی، تحریم تنباکو اولین مقاومت منفی در ایران*، تهران: انتشارات کتاب‌های جیبی.
- جعفریان، رسول، (۱۳۹۱)، *گزیده حیات سیاسی و فکری امامان شیعه*، قم: نشر معارف.
- حسینیان، روح‌ا... (۱۳۸۱)، *بیست سال تکاپوی اسلام شیعی در ایران*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- حلبی، علی‌اصغر (۱۳۹۰)، *تاریخ نهضت‌های دینی سیاسی معاصر*، تهران: انتشارات زوار.
- خدوری، مجید (۱۳۵۹)، *تجدید حیات سیاسی اسلام از سیدجمال تا اخوان المسلمین*، حمید احمدی، تهران: انتشارات الهام.
- صباغ جدید، جواد (۱۳۸۶)، *انقلاب اسلامی، جنبشی معطوف به ارزش*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- عبدالمهی، محسن (۱۳۹۰)، *نظریه‌های انقلاب و انقلاب اسلامی ایران*، تهران: نشر شرح.
- عمید، حسن (۱۳۹۶)، *فرهنگ عمید*، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۷۵)، *انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن*، تهران: کتاب سیاسی.
- عنایت، حمید (۱۳۶۲)، *اندیشه سیاسی در اسلام معاصر، بهاء‌الدین خرمشاهی*، تهران: انتشارات خوارزمی.
- عنایت، حمید (۱۳۶۲)، *تفکر نوین سیاسی اسلام*، ابوطالب صارمی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- فلاحی، اکبر (۱۳۸۵)، *سال‌های تبعید امام خمینی (ره)*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

- قادری، حاتم (۱۳۹۲)، *اندیشه‌های سیاسی در اسلام و ایران*، تهران: انتشارات سمت.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۶۰)، *گذری بر انقلاب ایران*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- لوین، ز.ا (۱۳۷۸)، *اندیشه‌ها و جنبش‌های نوین سیاسی اجتماعی در جهان عرب*، یوسف عزیزی بنی طرف، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- محیط طباطبایی، محمد، (۱۳۷۰)، *سیدجمال‌الدین اسدآبادی و بیداری مشرق زمین*، قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- مدنی، جلال‌الدین (۱۳۶۹)، *تاریخ سیاسی و روابط خارجی ایران*، تهران: انتشارات اسلامی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۲)، *تعلیم و تربیت در اسلام*، تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۲)، *ده گفتار*، تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۳)، *نهضت‌های اسلامی در صدساله‌ی اخیر*، تهران: انتشارات صدرا.
- ملک محمدی، حمیدرضا (۱۳۸۳)، *مدرس و سیاست‌گذاری عمومی*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- منصوری، جواد (۱۳۷۹)، *سیر تکوینی انقلاب اسلامی ایران*، تهران: وزارت امور خارجه.
- منوچهری، محمدعلی (۱۳۶۱)، *جامعه‌شناسی غرب‌گرایی*، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- موثقی، احمد (۱۳۸۴)، *جنبش‌های اسلامی معاصر*، تهران: انتشارات سمت.
- موسوی خمینی، سیدروح... (۱۳۶۲)، *در جستجوی راه از کلام امام*، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- موسوی خمینی، سیدروح... (۱۳۷۸)، *صحیفه‌ی انقلاب*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- موسوی خمینی، سیدروح... (۱۳۶۸)، *صحیفه‌ی نور*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- نقوی، علی‌محمد (۱۳۷۰)، *مذهب و سیاست در جهان*، تهران: انتشارات دهاد.
- نقیب زاده، احمد (۱۳۹۲)، *درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی*، تهران: انتشارات سمت.

- وبر، ماکس (۱۳۷۰)، *اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری*، عبدالمعبود انصاری، تهران: انتشارات سمت.
- هیوود، اندرو (۱۹۹۹)، *مقدمه‌ی نظریه‌ی سیاسی*، عبدالرحمن عالم، تهران: نشر قومس.
- وزارت اطلاعات (۱۳۷۹)، *روحانی مبارز آیت... سید ابوالقاسم کاشانی به روایت اسناد*، ج ۱، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی.

ب- منابع انگلیسی

- Apter, David & Tony Saich (1994), *Revolutionary Discourse in Maos Republic*, Harvard University, USA.
- Eisenstadt, S.N. (1985), "Cultural Orientation, Institutional and Social Change: Comparative Analysis of Traditional Civilization", *American Journal of Sociology*, Vol 85, pp. 840-869.
- Horn, Jeffrey (1991), "the Revolution as a Discourse", *Histry of European Ideas*, Paris, Vol. 13, Issue 5, pp. 623-632.
- Horn, Keith, Michael (1990), *Inventing the French Revolution*, Stanford University, California.